



اگر این مطلب را می‌پسندید
کد ۲۴۱۱ را پیامک کنید
۲۰۰۰۸۰۸۰۸۰۳



با حسین شهبایی کارگردان فیلم «روز روشن»

علیه بی‌اعتنایی اجتماعی

«روز روشن» اولین فیلم سینمایی حسین شهبایی است که سال گذشته در جشنواره‌ی فیلم فجر به نمایش در آمد و مورد توجه قرار گرفت. این فیلم که با بودجه‌ای اندک ساخته شده، یک موضوع حساس اجتماعی را دستمایه قرار داده؛ چرا آدم‌ها نسبت به سر نوشت یکدیگر بی‌اعتنا شده‌اند. شهبایی می‌گوید برای این فیلم مدت‌ها تحقیق و سعی کرده بخشی از واقعیت جامعه‌ی امروز را به نمایش بگذارد. او در گفت‌وگو با «صبا» از دغدغه‌هایش و شرایطی که در آن «روز روشن» ساخته شد، صحبت کرده است.



در کارنامه‌ی شما، ساخت چندین فیلم ویدئویی و تله‌فیلم دیده می‌شود. چرا بعد از این همه سال فعالیت به سینما آمدید؟

من ۱۷ سال پیش، اولین فیلم سینمایی‌ام را با نام «طلوع» ساختم که درباره‌ی زندگی جمشید مشایخی است و خود این بازیگر هم در آن ایفای نقش کرده. اما این فیلم توقیف شد. فیلم دیگری نیز به نام «عکس» برای شبکه‌ی دو ساخته‌ام که آن هم پخش نشده. از سال ۷۸ که بعد نیز هر دو سال یک فیلمنامه می‌نوشتم و به ارشاد می‌بردم که هیچ کدام تصویب نشد و پروانه‌ی ساخت نگرفت. این روند ادامه داشت تا سال ۸۴ فیلمنامه به نام «بازگشت» را به ارشاد بردم و پروانه‌ی ساخت گرفتم. لادن مستوفی، گلاب آدینه، رویا تیموریان، فرامرز قریبیان و الناز شاکردوست - که در آن زمان تازه بازیگر شده بود و نقش کوتاهی در این فیلم داشت - انتخاب شدند و چندین جلسه تمرین هم کردیم اما در اولین جلسه فیلمبرداری، جلوی کار را گرفتند و گفتند اجازه‌ی ساخت ندارید و تا الان هم دلیل‌اش را نمی‌دانیم. ظاهراً بحثشان این بود که فیلمنامه مسئله‌برانگیز می‌شود چون متفاوتی‌ک در آن مطرح بود. با فکر اصلی فیلم مخالف بودند.

پس باید قید سینما را می‌زدید!

در همه‌ی این سال‌ها دوست داشتم فیلم بسازم اما به هر قیمتی حاضر نبودم این کار را انجام دهم و فیلمنامه‌هایی را هم که من ارائه می‌دادم، اجازه‌ی ساخت نمی‌گرفتند. حتی فیلم «روز روشن» هم در دولت گذشته از دستشان در رفت و مجوز دادند اما ابتدا این فیلمنامه را به فاریبی بردیم ولی آنجا تصویب نشد و برخی تهدید کردند اگر فیلم ساخته شود، جلوی آن را می‌گیریم. اما بعد از این همه سال و از آنجایی که ستم بالاتر رفته و تجربیاتی به دست آورده‌ام تصمیم گرفتم از این پس فیلمی را بسازم که دیگر به کسی بر نخورد و مشکلی نداشته باشد و به راحتی تولید شود. به نظر من این دیر آمدن از سویی به نفعم شده زیرا یاد گرفتم فیلمی بسازم که مخاطبانش وسیع باشند و مردمان زیادی در تمام دنیا بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند. مثلاً در حال حاضر «روز روشن» در چندین کشور اکران عمومی می‌شود و هم‌زمان در جشنواره‌ی ۴ کشور؛ هیوستون، واشنگتن دی سی، شیکاگو و بوستون شرکت کرده و طیف وسیعی از ایرانیان و اروپاییان این فیلم را دیده‌اند و باز هم خواهند دید. یک فیلمساز باید با این احساس مسئولیت فیلم‌اش را بسازد. ضمن اینکه اگر سرم باد داشت و دوست داشتم دغدغه‌های خاصی را در فیلم‌هایم بیان کنم، امروز به واسطه‌ی تجربیاتم درک کرده‌ام که این کار اشتباه است. کار هنرمند این نیست که کار سیاسی



جریان می‌گذرد می‌توانم در موردش صحبت کنم. چه سوء تفاهمی؟

برخی منتقدان، «روز روشن» را فیلمی سهل‌الوصول و شبه‌ویدیویی معرفی کردند در حالی که اینطور نیست یا یکی از داوران بخش مسابقه‌ی جشنواره‌ی فجر - که از نزدیکان به مدیران وقت بود - وقتی دیگر داوران به او می‌گویند که این فیلم در دو بخش شرکت کرده و نمی‌توانیم به آن جایزه ندهیم، پاسخ داد: این کارگردان ۷ میلیون داده و یک پرسشگر گرفته و در همان خیابان‌های اطراف دفترش، این فیلم را ساخته و اگر به او سیم‌رغ بدهیم توهم‌زده می‌شود و فردا فیلم دیگرش را در یک اتاق می‌سازد و انتظار دارد در حالی که واقعا اینطور نیست و من برای شعور مخاطب و منتقدان احترام قائل شده‌ام و بیش از یکسال و نیم زمان صرف کردم تا فیلمنامه‌ی «روز روشن» را بنویسم و دو سال از عمرم را صرف ساختن این فیلم کردم. «روز روشن» فیلمی است که از دل جامعه برمی‌آید و در مورد زندگی و مردم پیرامون ماست.

باتوجه به اینکه «روز روشن» یک نقد اجتماعی است، زمان نوشتن فیلمنامه، تحقیقات میدانی هم داشتید؟

بله، ما برای نوشتن فیلمنامه‌ی «روز روشن» تحقیقات مفصلي انجام دادیم. زمانی که فیلمنامه نوشته شد آن را برای برجسته‌ترین و معروف‌ترین جامعه‌شناسان، انجمن جامعه‌شناسان، حقوقدانانی مانند آقایان شهبازی و جعفری و چند روان‌شناس از جمله خانم شریفی خواندیم در کنار آنکه چند دانشجوی جامعه‌شناسی هم در خیابان‌ها تحقیق می‌کردند تا مشخص شود اتفاقات داستان تا چه اندازه به واقعیت نزدیک است. بعد از نوشته‌شدن فیلمنامه، با همه‌ی این دوستان دوره جمع شدیم و طی چند جلسه در مورد تمام اتفاقات و دیالوگ‌ها تبادل نظر می‌کردیم و نظراتشان را تک تک می‌گفتند و در متن از آنها استفاده می‌کردیم زیرا برایم مهم بود قاصه به زندگی و شخصیت‌های واقعی نزدیک باشد. نمی‌خواستم شخصیت‌ها طوری خلق شوند که شکل قهرمان داشته باشند. می‌خواستم همه چیز به زندگی واقعی ما نزدیک باشد. باتوجه به تمام این ویژگی‌ها فکر می‌کنم یک آدم فرهنگی باید از من حمایت کند زیرا من در فیلمی که ساختم از او دفاع کرده و شعورش را در نظر گرفته‌ام. ما در حال حاضر به خاطر مشکلات مادی که داریم حتی نمی‌توانیم یک بر تابل برای فیلم بگیریم یا تبلیغات محیطی دیگر داشته باشیم و بچه‌های ما آگهی‌های فیلم را در تابلو می‌گذارند و بین سوپرمارکت‌ها پخش می‌کنند تا برای «روز روشن» اتفاق خوبی بیفتد. در این وضعیت اگر جامعه‌ی فرهنگی هم از من حمایت نکند من دیگر چه انتظاری می‌توانم داشته باشم. احترام متقابل در تمام شئون زندگی باعث می‌شود از جامعه‌ی ما یک جامعه‌ی فرهنگی ساخته نشود. ما جامعه‌ای در حال گذار هستیم و چند نسل دیگر، به جامعه‌ای می‌رسند که مشکلات من و شما را نخواهند داشت.

باتوجه به ویژگی‌هایی که سعی کردید در فیلمتان رعایت کنید، فکر می‌کنید استقبال مخاطب از آن چگونه باشد؟

نمی‌توانم بگویم دیدن این فیلم را به یکدیگر پیشنهاد می‌کنند یا نه اما می‌توانم قول شرف بدهم که هیچ‌کس ناراضی از سینما بیرون نمی‌آید. زیرا در هنگام نوشتن فیلمنامه، هم من و هم دیگر دوستانی که پیش‌تر به حضور و همکاریشان اشاره کردم، سعی مان بر این بود با شناختی که از جامعه‌مان داریم، فیلمی بسازیم که به شعور مردم احترام گذاشته باشیم.

را نمی‌گیرد. البته اصولاً آدم‌های دغدغه‌مند به این راحتی از کارشان منصرف نمی‌شوند. من دوستانی دارم که چندین فیلم ساخته‌اند اما هیچ کدام فروش خوبی نداشته ولی دلسرد نشده‌اند و همچنان به کارشان ادامه می‌دهند زیرا آدم‌های همدرد و آرمانگرای هستند و برای رسیدن به خواسته‌شان واقعا تلاش می‌کنند؛ بی‌آنکه مادی‌گرا و اهل شهرت باشند. من هنگام ساخت هر فیلمی در حد معقول‌اش به گیشه نگاه دارم.

شما از مهران احمدی برای ایفای نقشی استفاده کرده‌اید که حداقل ۱۰ سال از سن واقعی این بازیگر بزرگ‌تر است. دلیل این انتخاب چه بود؟

واقعیت این است که در آن رده‌ی سنی بازیگر خوب پیدا نکردم. ما بازیگر مسن داریم ولی کسی را که بتواند از عهده‌ی پیچیدگی‌های این نقش بر آید، نداشتیم. سراغ مهدی هاشمی و همایون ارشادی هم رفتم اما بنا به دلایلی به این نتیجه رسیدیم که آنچه مدنظر دارم، اتفاق نمی‌افتد. البته قبل از آنکه کار را شروع کنیم چندین جلسه با مهران احمدی صحبت کردیم و چندبار به خیابان رفتیم و صحنه‌هایی را فیلمبرداری کردیم و بعد آن را دیدیم و به این نتیجه رسیدیم که مهران احمدی گزینه‌ی مناسبی برای این نقش است. یکی از ویژگی‌های خوب آقای احمدی این است که هم خیلی انعطاف‌پذیر است و هم خیلی با دقت همه چیز را گوش می‌کند و روی کارش متمرکز است و اهل منطق است. این ویژگی‌ها کمک می‌کند موقع کار کردن



حادثه‌ای که در سعادت‌آباد رخ داد و جلوی چشم آن همه آدم، یک نفر را کشتند، خیلی روی من تاثیر گذاشت و برایم آزاردهنده بود و اصلا دلیل شکل‌گیری قصه‌ی «روز روشن»، «آن اتفاق شد. متأسفانه ما این روزها خیلی نسبت به یکدیگر بی‌اعتنا شده‌ایم»

خیلی باهم راحت باشیم. من، مهران احمدی و پانته‌ا بهرام بیش از ۵ ماه دور هم جمع می‌شدیم و برای رسیدن به یک سادگی در فیلم، تمرین می‌کردیم و تبادل نظر داشتیم. فکر می‌کنم تمام این تلاش‌ها نتیجه‌اش در فیلم دیده می‌شود. به نظر من، کارگردانی که نمی‌خواهد نمایش کارگردانی بدهد و خود را یکی از اعضای گروه می‌داند، می‌تواند انتقادپذیر باشد. با همه‌ی این بحث‌ها، هنگام ساخت حتی یک پلان هم از فیلم تغییر نکرد زیرا دوستان خودشان متوجه شده بودند که فیلمنامه خیلی درست نوشته شده و همان را اجرا می‌کردند. البته در دیالوگ‌پردازی‌ها در زمان اجرا، بداهه‌گویی‌هایی با حفظ مفهوم انجام شده است. دوست دارم به این نکته هم اشاره کنم که ما بازیگران معرور در این رده‌ی سنی که دستم‌دهای بالایی هم می‌گیرند، داریم اما توانایی آنها به درد سینمای قاصه‌گو، می‌خورد در حالی که فیلم من، فیلم داستان‌گو نیست و نگاهی تحلیلی به جامعه دارد و فیلمنامه‌اش خیلی پیچیده است که هنوز هم گروه‌های آن باز نشده و نمی‌توانم خیلی در موردشان صحبت کنم چون می‌ترسم بگویند در اولین فیلم‌اش دچار توهم شده و فکر می‌کند چه شاهکاری خلق کرده. این سوء تفاهم متأسفانه در زمان جشنواره هم وجود داشته و حال که یک سال از آن



نقش‌هایی که می‌توانند ایفا کنند، بیشتر است و به ما که می‌رسد احتمالاً می‌توانیم چند نقش متفاوت را بازی کنیم. این جزو اصول بازیگری است و اگر کسی بخواهد غیر از این عمل کند فقط در نقش‌های مختلف تغییر لباس بدهد و خودش را تکرار کند، کاری که انجام می‌دهد باز یگری نیست و نام دیگری دارد. اتفاقی که متأسفانه در سرزمین ما زیاد می‌افتد و من نامش را بازیگری نمی‌گذارم. به نظر من، یک بازیگر به حسب شغلی که دارد قبل از آنکه جلوی دوربین برود باید نقشی را که بر عهده گرفته بشناسد و طراحی‌اش کند و این مهم‌ترین کار هر بازیگر است. البته این کار آسانی نیست و مشکل است و به همین دلیل بازیگری جزو شغل‌های سخت به‌شمار می‌رود چون دیالوگ گفتن، خندیدن و گریه کردن جلوی دوربین کار خاصی نیست. هنر ماجرا آن جایی است که یک بازیگر بتواند نقش‌های متعدد و متفاوت را به شکل باورپذیری جلوی دوربین برود و به مخاطب نشان دهد.

زمانی که فیلمنامه را خواندید چه چیزی شما را مجاب کرد این نقش را بر عهده بگیرید؟

من وقتی می‌خواهم کاری را ببیزم در ابتدا یک کلیت را مدنظر قرار می‌دهم اینکه فیلمنامه چه حرفی می‌خواهد بزند و چه اتفاقی قرار است بیفتد بعد از این مرحله، به این فکر می‌کنم که نقش من چیست و چه تأثیری در روند داستان دارد. برایم مهم است که شخصیت خنثی نباشد که اگر از درام حذف‌اش کنیم تأثیری در فیلم نداشته باشد. دوست دارم نقش‌هایی را ایفا کنم که چندین لایه‌ی شخصیتی دارند و از پیچیدگی رفتاری برخوردارند و خیلی سطحی نیستند. پیچیدگی‌های رفتاری و ارتباط بین کاراکترها و فضای داستان برایم مهم است. وقتی فیلمنامه‌ی «روز روشن» را خواندم متوجه شدم فیلمی است که این قابلیت‌ها را دارد و اثر استاندارد دی خواهد شد که هم مخاطب از دیدنش لذت می‌برد و هم دست خالی سالن سینما